عکس‌ها: سجاد صفری/ آژانس عکس ایران

گزارش خبرنگار «ایران» از نمایشگاه نقاشی «جسدهای جاندار» کارگردان نام آشنای سینمای ایران

کیمیای مسعود روی بوم نقاشی

گزارش

سعیده احسانی‌راد
روزنامه نگار

نمایشگاه نقاشی‌های مسعود کیمیایی با عنوان «جسدهای جاندار» در گالری «ثالث» برقرار است؛ کارگردانی که درباره‌اش می‌گویند که آدم‌های زخمی و تنها را دوست دارد و آنها را در شرایط مختلف اجتماعی نشان می‌دهد. پیش از این هم البته نقاشی هایی از این کارگردان نام آشنای سینمای ایران به نمایش عمومی در آمده بود اما «جسدهای جاندار» گویا بیشتر مورد استقبال قرار گرفته است.

شهر، خودرو، اسلحه، گنگسترها و چاقو که کیمیایی در جهان سینمایی خود به صورت مداوم استفاده کرده، بر بوم نقاشی‌هایش نیز به چشم می‌خورد. کیمیایی بیش از آنکه سینماگر محسوب شود، یک هنرمند است و به همین دلیل می‌تواند از هر مدیومی برای بیان دیدگاه و معرفی جهان شخصی خود استفاده کند. او برای نمایشگاهش نوشته است: «آگاهی هنرمند به طور خودانگیخته وام‌دار تخیل و تعهد است. هنرمند خود عکس‌العمل ذهن در مقابل دنیای بیرونی است. خلاقیت‌های فردی است که به تأثیر جمعی می‌رسد. هنرمند باید بیان شود؛ هر یک از خیال‌های آتش گرفته‌اش می‌تواند یک آفرینش بزرگ باشد. ادبیات و شعر، موسیقی، نقاشی، سینما، تئاتر، معماری و... همسایه‌های هم هستند. هنرمند از هنرها جدا نیست. فیلم ساختن در این سال‌ها به تاریکی رفت، نقاشی از جوانی در من انبار شد، نقاشی کردم. «یاری که تحمل نکند یار نباشد» (سعدی)

در این روزها می‌ترسم حتی دنیا را باور کنم اما می‌دانم دوست داشتن درمان است. من شاید نقاش نباشم اما نقاشی می‌کنم.»

المان‌های تکراری

علی خالق، نقاش و نمایشگاه‌گردان نمایشگاه «جسدهای جاندار» در گفت‌وگو با «ایران» درباره چگونگی برپایی این نمایشگاه گفت: «این سومین نمایشگاه انفرادی نقاشی استاد کیمیایی است که من کیوریتوری‌اش را انجام دادم؛ آثار زیادی را دیدم و از بین آنها ۱۱ اثر را برای نمایشگاه جسدهای جاندار انتخاب کردم. خالق ادامه داد: «این آثار را از بین نقاشی‌های زیادی که استاد طی سال‌ها کشیده انتخاب کردم. اگر دقت کنید، المان‌ها در این ۱۰ اثر به نمایش درآمده، تکرار شده است؛ سعی کردم نسبت به نمایشگاه اول استاد کیمیایی در گالری گلستان، این نمایشگاه مجموعه‌تر باشد.»

وی در پاسخ به این سؤال که نقاشی استاد کیمیایی دارای چه ویژگی‌هایی است و با توجه به اینکه سبک خاصی در فیلمسازی دارند و نقاشی‌هایشان هم برگرفته از سبک فیلمسازیشان است، گفت: «مسعود کیمیایی از دوران نوجوانی نقاشی می‌کرده، کارهایش سبک مشخصی ندارد و فارغ از تکنیک، خودش را در نقاشی‌ها با المان‌های تکراری به تصویر می‌کشد. او سعی کرده در نقاشی‌هایش فیلم‌های ساخته نشده و حرف‌های نزده‌اش را بزند. مسعود کیمیایی کارگردان بزرگ و مطرحی است، نیازی ندارد خودش را با نمایشگاه نقاشی در فضای مجازی مطرح کند؛ قاعدتاً اگر می‌خواست از شهرتش استفاده کند، چهار تا خط می‌کشید و امضایش را می‌فروخت. من همیشه گفته‌ام نقاشی یک تراپی است، اگر به سایز، شلوغی کار و المان‌ها دقت کنید، فارغ از تکنیک، کارها، رؤیایی با خود که نشان‌دهنده یک تنهایی عمیق است نشان می‌دهد.»

چاقو نماد عشق

خالق درباره شلوغی کارها، رنگ‌ها، خون و چاقو که در تابلوها دیده می‌شود، متذکر شد: «چاقویی که در کارها و عقربه‌های ساعت است به حرف‌های استاد اشاره دارد که «عشق جایی است که خون ریخته شده است و آن را یک‌جور نماد عشق می‌داند»؛ آدم‌ها با فیگورهای مختلف در نقاشی‌های مسعود کیمیایی خاص نیستند، او خیال‌های آتش گرفته‌اش را به تصویر کشیده است. به گفته خود استاد، اینکه بخواهد حرف مشخصی بزند و اشاره به یک موضوع داشته باشد نیست، فقط با ابزار نقاشی اتفاقات گذشته و فیلم‌های ساخته نشده‌اش را بیان کرده است.»

وی یادآور شد: «نقاشی‌های استاد برگرفته از فیلم‌هایش نیست، اما اشاره‌هایی از فیلم‌ها در نقاشی‌هایش به چشم می‌خورد. استاد درونیاتش را با نقاشی اجرا کرده و خودش باید در این‌باره توضیح دهد که درونش چه گذشته که این نقاشی‌ها را کشیده است.»

> چاقویی که در کارها و عقربه‌های ساعت است به حرف‌های استاد اشاره دارد که «عشق جایی است که خون ریخته شده است و آن را یک‌جور نماد عشق می‌داند

کیمیایی و دغدغه نقاشی

مسعود کیمیایی رمانی با نام جسدهای شیشه‌ای نوشته که خالق، این نمایشگاه را با رمانش مرتبط ندانسته و اظهار کرد: «این نمایشگاه در ارتباط و متأثر از رمان جسدهای شیشه‌ای نیست، نقاشی‌ها بسیار درونی است. من سال‌هاست استاد را از نزدیک می‌شناسم، خیلی بداهه و خالصانه شروع به کار می‌کند؛ وقتی داشتیم این مجموعه را برای نمایشگاه می‌بستیم، گفت سفارش بده چند بوم بیاورند تا دوباره نقاشی کنم، اصلاً این‌طور نیست که مسعود کیمیایی به خاطر اسمش نقاشی کند و بفروشد، نقاشی هم یکی از دغدغه‌هایش است؛ او مانند فیلمسازی دائم کار می‌کند، حتی بعد از برپایی این نمایشگاه سه کار بزرگ را تمام کرده است.»

وی در پاسخ به این سؤال که آیا کیمیایی از سبک خاصی پیروی نمی‌کند و در نقاشی الگو ندارد، توضیح داد: «مسعود کیمیایی تحت‌تأثیر نقاش خاصی نیست، زیست پرمخاطره استاد؛ دوستان نزدیکش مثل بهمن محصص، کار کردن آثاری از مرتضی ممیز در فیلم‌هایش و فعالیت کردن با استاد کیارستمی در تیتراژ قیصر، رضا موتوری و سربازان جمعه و بهره بردن از نقاشی‌های قللر آغاسی در گوزن‌ها، نشان می‌دهد زیست استاد و کارهایش تحت‌تأثیر چه چیزهایی بوده است.»

نقد نمایشگاه

«خالق» درباره نقدهایی که به نقاشی‌های کیمیایی شده است، گفت: «نقد باید باشد، کار بدون نقد اصلاً جذاب نیست اما نقد درست و سازنده. اینکه به تکنیک ایراد داشته باشیم نقد قشنگی نیست، قیمت‌ها هم اصلاً قابل نقد نیست، استاد کیمیایی سال‌هاست در فضای هنر زیست می‌کند، کادر و قاب می‌بندد؛ از یک کار غیرمرتبط به حوزه نقاشی وارد نشده است، از منظر زیستی درگیر فضای تجسمی بوده و نقاشان بزرگ از دوستانش بوده‌اند و به لحاظ مطالعاتی و آگاهی، از فضای تجسمی دور نبوده است.» این نمایشگاه پربازدیدترین نمایشگاه انفرادی مسعود کیمیایی بود که در افتتاحیه، بازدیدکنندگان دو ساعت تا خیابان ماهشهر در صف بودند. آثار هم ۲۰۰ هزار تومان تا زیر یک میلیارد تومان قیمت‌گذاری شده که به گفته خالق، با توجه به سایز بزرگ کارها و اسم استاد، قیمت‌ها خیلی منطقی بود.

برش

تخیل و رهایی مسعود کیمیایی را دوست دارم

لیلی گلستان، مدیر گالری گلستان که برای اولین‌بار میزبان نمایشگاه نقاشی‌های مسعود کیمیایی بوده و آن را برپا کرده، در حاشیه نمایشگاه «جسدهای جاندار» به «ایران» گفت: «مسعود کیمیایی از دوستان قدیمی‌ام است، اصلاً خبر نداشتم نقاشی هم می‌کند، اولین‌بار من برایش نمایشگاه گذاشتم، یک روز گفت بیا می‌خواهم یک چیزهایی نشانت دهم، وقتی پرسیدم چه چیزی، گفت تو بیا می‌بینی، وقتی رفتم گفت این نقاشی‌های من است، گفتم مگر نقاشی هم می‌کنی، گفت تا به حال به کسی نگفته‌ام و الان نظرت را می‌خواهم تا اگر خوب است برایم نمایشگاه بگذاری.»

گلستان ادامه داد: «بعد از دیدن نقاشی‌هایش فکر کردم شاید از لحاظ طراحی خیلی خوب نباشد ولی تخیلش فوق‌العاده است؛ الان هم که نقاشی‌های این نمایشگاه را دیدم، می‌گویم همه‌اش تخیل است؛ به نظر من خیلی جالب است که توانسته تخیلاتش را به تصویر بکشد. در این نمایشگاه نقاشی‌ها از لحاظ طراحی خیلی پیشرفت داشته و ۴-۵ برابر قشنگ‌تر و حرفه‌ای‌تر از نمایشگاه من است.»

مدیر گالری گلستان درباره اینکه به عنوان یک نقاش چه چیز باعث شده کارهای کیمیایی جذبش کند، توضیح داد: «به عنوان یک نقاش خیلی خوشم می‌آید از اینکه اینقدر راحت تخیلش را به تصویر می‌کشد و تخیل‌های مختلف را که هیچ ربطی به هم ندارند در کنار هم در یک تابلو جا می‌دهد؛ مثلاً در یک نقاشی یک دفعه وسط یک عده جاهل، یک سرخپوست کشیده، هر کاری دلش خواسته انجام داده و این برای من خیلی جذاب است. کیمیایی اگر نقاشی را ادامه دهد نقاش خوبی می‌شود، چیزی که در مسعود کیمیایی خیلی دوست دارم تخیل و رهایی‌اش است، اصلاً جلوی خودش را نمی‌گیرد و خیلی راحت همه چیز را روی بوم می‌برد، چیزهای مختلفی که کنار هم گذاشته ربطی به هم ندارند اما با همدیگر قشنگ شده‌اند.»

وی جذابیت دیگر این نمایشگاه را که در نمایشگاه او هم بوده، چاقوهای چسبیده روی بوم‌ها بیان کرد و گفت: «من این را خیلی دوست دارم، واقعاً نمایانگر مسعود کیمیایی و فیلمسازی‌اش است؛ نمایشگاه اولش در گالری گلستان که خیلی هم عین فیلم‌هایش بود، کلاه مخملی، چاقو و خون و از این حرفا بود، ولی در این نمایشگاه یک کم از فیلم‌هایش جدا شده اما باز هم به هر حال ته‌رنگی از فیلم‌هایش وجود دارد.»

وی درباره اینکه آیا در این نمایشگاه نقطه ضعفی هم به چشمتان آمد، گفت: «نقطه ضعف‌ها در این نمایشگاه نسبت به نمایشگاه گالری گلستان خیلی کم بود، طراحی‌اش خیلی عالی نبود اما طراحی‌های خوب این نمایشگاه نشان می‌دهد حرف گوش کرده و کارش را بهتر کرده است و اگر همین‌طور پیش برود خیلی بهتر هم خواهد شد.»

گلستان درباره ورود و گرایش سینماگرها به سمت هنرهای تجسمی گفت: «چه اشکالی دارد آدم هر کاری که دوست دارد انجام دهد، مگر کیارستمی و کیانیان عکاسی نمی‌کردند، کیمیایی دلش خواسته نقاشی کند، هر کاری که آدم دلش می‌خواهد بکند، بهتر است تا اینکه در زمان پیری حسرتش را بخورد.»

اخبار

عیادت نمایندگان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از کیانوش عیاری در بیمارستان

رئیس مرکز روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیرعامل صندوق هنر به نمایندگی از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور در بیمارستان سینا از نزدیک وضعیت و روند درمان کیانوش عیاری را جویا شدند. نیکنام حسینی‌پور مشاور وزیر و رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی این وزارتخانه با عیادت از عیاری تأکید کرد: وزارت فرهنگ باید قدردان کسانی باشد که در راه اعتلای فرهنگ و هنر این سرزمین گام برداشته‌اند. ما در حال تلاش هستیم که حداقلِ امنیت خاطر را در میان فعالان این حوزه ایجاد کنیم. در این زمینه هم حامل احوالپرسی آقای صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هستیم و ایشان در این مدت، پیگیر وضعیت درمانی شما بوده‌اند. سیدمجید پوراحمدی مدیرعامل صندوق اعتباری هنر نیز با آرزوی سلامتی برای کیانوش عیاری تأکید کرد: فعالان عرصه فرهنگ و هنر در حوزه بیمه مورد حمایت همه‌جانبه صندوق اعتباری هنر هستند و صندوق تلاش می‌کند به اموردرمانی هنرمندان رسیدگی ویژه کند.

نمایش موزیکال «کورالاین» روی صحنه می‌رود

نمایش «کورالاین» به کارگردانی امیدرضا سپهری و تهیه‌کنندگی مریم نراقی بعد از یک سال و نیم تمرین دی‌ماه امسال روی صحنه می‌رود. این نمایش موزیکال بعد از «داستان عذرخواهی از آقای امانوئل»، «عروس مردگان» و «مرگ تصادفی یک دراکولا» چهارمین نمایش موزیکال گروه مربع ۱۱ است. این نمایش اقتباسی است از انیمیشن «کورالاین» به نویسندگی نیل گیمن که سال ۲۰۰۹ توسط کمپانی لایکا ساخته و با استقبال مخاطبان مواجه شد. / روابط عمومی

اولین سریال مشترک تلویزیون با نمایش خانگی روی آنتن

مجموعه تلویزیونی «تنها گریه کن» به تهیه‌کنندگی میلاد حاجی پروانه و کارگردانی علی درخشنده به‌زودی روی آنتن شبکه افق خواهد رفت. «تنها گریه کن» که اولین همکاری میان صداوسیما با پلتفرم‌های روبیکا و نماوا در تولید سریال است روایتگر تنهایی زنی است که در فصل اول سریال، کودکی‌اش با رنج پدر گره می‌خورد و تصمیم می‌گیرد عشق، جوانی و رؤیاهایش را قربانی ایستادن در برابر ظلم و بی‌عدالتی کند و در فصل دوم تمام زندگی و دارایی‌هایش را برای آرمانش فدا می‌کند. افسانه کمالی، رابعه مدنی، خاطره حاتمی، رها ربانی‌نیا، پیام احمدی‌نیا، سیاوش چراغی‌پور، مرجان قمری، احمد کاوری، هادی شیخ‌الاسلامی، رحیم نوروزی، حسن رضایی، یوسف صفری بختیاری و... از جمله بازیگرانی هستند که در این سریال نقش‌آفرینی می‌کنند. / تسنیم

فرهنگ

معاون وزیر تأکید کرد: فرصت خوب برای ترمیم رفتارهای گذشته

اولین جلسه شورای سیاستگذاری چهلمین جشنواره موسیقی فجر، با حضور معاون امور هنری و اعضای شورای سیاستگذاری و دبیر این دوره از جشنواره برگزار شد. نادره رضایی، معاون امور هنری در این نشست گفت: جشنواره موسیقی فجر، یک فرصت است و اگر خوب برگزار شود برای همه خوشایند است. شورای سیاستگذاری جشنواره یک نقطه امید است و می‌تواند با سیاستگذاری هدفمند، در میان جامعه ذائقه‌سازی کند. اگر به جشنواره موسیقی فجر صرفاً منوط به نتیجه نگاه کنیم، می‌توانیم از فرصت‌ها به خوبی بهره بگیریم و در مسیر همراهی هنرمندان گام برداریم، اما همه اینها در صورتی است که بتوانیم احترام‌زدایی‌های پیشین را جبران کرده و با احترام به بزرگان، سراغشان برویم تا ما را همراهی کنند.

معاون امور هنری افزود: دبیرخانه دائمی می‌تواند بخش زیادی از مشکلات اجرایی را مرتفع کند. اگر از هر حوزه‌ای در موسیقی یک نفر در شورای سیاستگذاری باشد، با شناخت تنگناهای موجود در موسیقی و همچنین در جشنواره، فرصت خوبی برای ترمیم رفتارهای گذشته خواهیم داشت. ما نباید در هنر میراثی و ملی تنها بمانیم و در این شرایط دشوار باید به در خانه بزرگان برویم. در صورتی که این کار را انجام ندهیم، دبیر جشنواره مجبور است برای پررنگ کردن آن صرفاً سراغ موسیقی پاپ برود.

او در ادامه با اشاره به عنوان وفاق ملی در فراخوان جشنواره گفت: با صرف گفتن و آوردن واژه، وفاق شکل نمی‌گیرد. وفاق در روش ما صورت می‌پذیرد. هنرمندان با حرف‌های ما کاری ندارند و چشمشان به عمل و رفتار ما خواهد بود و منتظرند ببینند ما چکار می‌کنیم. امروز اگر بزرگی نمانده تا دست ما را بگیرد، باید مسیر رفته را بازنگری کنیم و برای اصلاح آن رفتارها روشی تازه پیش بگیریم تا توافق‌سازی شکل بگیرد.

رضا مهدوی، دبیر چهلمین جشنواره موسیقی فجر نیز با اشاره به بخش‌های جشنواره و فراخوان ارسال شده، گفت: در این دوره سعی کردیم ۲۰ درصد ارتقابخشی داشته باشیم و نکته دیگر اینکه جوانگرایی یکی از اهداف مهم در جشنواره موسیقی است و جوان‌هایی که به دنبال صحنه هستند، می‌توانند خودشان را در آنجا نشان دهند. همچنین حضور بانوان در جشنواره نقطه امید است و ما می‌توانیم با گسترش فضای آن برای

جوانان و بانوان، فرصت مناسبی در جشنواره موسیقی خلق کنیم.

مهدوی گفت: حلقه‌های گمشده جشنواره موسیقی فجر یکی از تبلیغات مناسب است و دیگری حضور نهادهای دیگر. اگر نهادهای دیگر به میدان بیایند می‌توانیم از امکانات آنها استفاده کنیم و از سوی دیگر بخشی از جامعه را نیز به سمت موسیقی سوق دهیم. ما الان به شدت دچار کمبود سالن هستیم و در این شرایط است که بودجه و کمک‌های دیگر می‌تواند تعیین‌کننده باشد و با بالابردن رقم جوایز برگزیدگان انگیزه حضور را برای هنرمندان بیشتر کنیم. اعضای دیگر شورای سیاستگذاری جشنواره موسیقی هم با اشاره به جوانگرایی و توجه به بانوان در جشنواره بر توجه به موسیقی ملی و اقوام تأکید کردند.

سینما حقیقت

دلخوشی‌های زنانه مادر نابینا در انتظار «چاو»

فرهنگی/ مستند نیمه‌بلند «چاو» که یکشنبه ۱۸ آذرماه در هجدهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت به نمایش درآمد یکی از اپیزودهای مجموعه مستند «پا به ماه» است که روزهای بارداری مادری جوان و نابینا را که با شوروشوق در انتظار به دنیا آمدن فرزندش است، به تصویر می‌کشد. مهدیه سادات محور با مجموعه مستند «پا به ماه» تلاش کرده است روایت‌هایی جذاب از اولین روزهای انتظار تا لحظه‌های به دنیا آمدن و... را به تصویر بکشد. این مستند شهر به شهر و روستا به روستا لحظات خاص و به یادماندنی روزهای آخر بارداری و روز تولد پدران و مادرانی را روایت می‌کند که انتظار به دنیا آمدن فرزندان‌شان را می‌کشند.

داستان «چاو» با لحظات سونوگرافی مادر توسط پزشک و صبحانه خوردن زوج جوان آغاز می‌شود. سکانس‌هایی که در ابتدای مستند بیننده را متوجه نابینا بودن مادر نمی‌کند اما چند دقیقه بعد با دیدن عصای سفید و سبک خاص زندگی مادر، غافلگیری رقم می‌خورد. در ادامه، «چاو» گوشه‌هایی از زندگی روزمره این زوج و البته سختی‌ها و چالش‌های خاص آنها را روایت می‌کند. از لحظات مشاوره مادر درباره استرس و اضطراب دوران بارداری تا خرید از فروشگاه و انجام کارهای خانه و امور شخصی. یکی از جالب‌ترین صحنه‌های فیلم، لحظاتی است که مادر در محل کار با استفاده از نرم‌افزار خاص نابینایان و با تلفن همراه مشغول جست‌وجو و انتخاب سیسمونی و لوازم و پوشاک موردنیاز فرزندی است که چندی دیگر به دنیا خواهد آمد.

شور و شوق او از این کار و گفت‌وگوی زنانه با همکارش، لحظاتی که احتمالاً همه مادران جوان تجربه آن را داشته‌اند و با آن همذات‌پنداری می‌کنند حالا در مورد این سوژه خاص دیدنی‌تر است. قصه این زوج هم با همه فرازونشیب‌هایش با لحظات دلهره‌آور و البته خاطره انگیز رفتن به بیمارستان و تولد نوزاد زیبایی به نام «چاو» به پایان می‌رسد اما قصه‌هایی از این دست برای ژانر مستندهای اجتماعی هیچ وقت تمام نمی‌شود. یکی از نکات جالب توجه در «پا به ماه» و همین «چاو» ارتباط راحت سوژه‌ها با دوربین مستندساز است. گرم و صمیمی به زندگی روزمره‌شان می‌رسند و دوربین را در کنار خود احساس نمی‌کنند. انگار دوربین یکی از اعضای خانواده و چشم سوم یا سوم شخص است که به زبان تصویر و بدون نریشن، قصه را برای مخاطب روایت می‌کند و شاید هم اصلاً به چشم سوژه به آنها نگاه نمی‌کند و تنها یک روایت انسانی را بازگو می‌کند. از دیگر نکات مهم در دیده شدن مستندهایی از جنس مستند «پابه ماه» این است که نگاه سازندگان به موضوع فرزندآوری نگاهی سیاسی و شعارزده نیست و دغدغه اجتماعی موضوع، اهمیت بیشتری برایشان دارد تا جایی که حتی ممکن است در روند ساخت و روایت قصه‌ها هم با چالش‌هایی مواجه شوند.